Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry
Vol/12/ No.3 .2025
Page: 94-111

The structural model of adolescent risk-taking based on basic beliefs, family communication patterns, and self-assertion with the mediating role of cognitive emotion regulation

Arezoo khosravi[1], Anvar Dastbaz*[2], Barzan Soleimani[3]

1-Master of Clinical Psychology, Department of Psychology, Islamic Azad University, Sanandaj Branch, Sanandaj, Iran.
2- Assistant Professor, Department of Counseling, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. (Corresponding Author). E-mail: Anvardastbaz@uok.ac.ir
3- Department of Psychology, Razi University Kermanshah, Kermanshah, Iran.

Received:23/08/2024 **Accepted:** 23/09/2024

Abstract

Introduction: Adolescence is accompanied by challenges, crises, and tensions that may lead to risk-taking behaviors affecting individuals and their surroundings.
Aim: This study aimed to test a structural model of adolescent risk-taking based on core beliefs, assertiveness, and family communication patterns, with cognitive emotion regulation as a mediator.
Methods: This quantitative, correlational study was conducted among middle and high school students in Sanandaj during the 2022–2023 academic year. A total of 229 students were selected via multistage cluster sampling. Data were collected using the following questionnaires: Core Beliefs (1992), Assertiveness (1975), Cognitive Emotion Regulation (2007), Family Communication Patterns (1997), and Adolescent Risk-Taking (2007). Structural equation modeling was performed using SPSS-26 and AMOS-26.
Results: Positive cognitive emotion regulation strategies had a significant negative effect on risk-taking ($\beta = -0.396$, $p < 0.05$), whereas negative strategies ($\beta = 0.196$, $p < 0.05$) and rumination ($\beta = 0.439$, $p < 0.05$) had significant positive effects. Core beliefs, assertiveness, and conversational interaction patterns indirectly influenced risk-taking through both positive and negative cognitive emotion regulation strategies ($p < 0.05$).
Conclusion: Based on the findings of the study, cognitive emotion regulation strategies play a significant mediating role in the influence of basic beliefs, family communication patterns, and assertiveness on adolescents' risk-taking behaviors. It is recommended that school-based educational programs be developed and implemented to enhance positive emotion regulation strategies and communication skills in order to reduce adolescents' risk-taking tendencies.

Keywords: Risk-taking, Cognition, Assertiveness, Family Relations, Emotion Regulation, Adolescent.

khosravi A, Dastbaz A, Soleimani B. The structural model of adolescent risk-taking based on basic beliefs, family communication patterns, and self-assertion with the mediating role of cognitive emotion regulation. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry 2025; 12 (3) ;94-111
URL: http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-2318-fa.html

Copyright © 2018 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non-Commercial License 4.0 (CCBY-NC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and buildup the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal.

مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت
سال دوازدهم شماره : ۳ ،۱۴۰۴
صفحات: ۱۱۱-۹۴

مدل ساختاری خطرپذیری نوجوانان بر اساس باورهای اساسی، الگوهای ارتباطی خانواده و ابراز وجود با نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان

آرزو خسروی[۱]، انور دست‌باز*[۲]، برزان سلیمانی[۳]

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سنندج، ایران.
۲. استادیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران، (نویسنده مسئول): Anvardastbaz@uok.ac.ir
۳. کارشناسی ارشد روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۰۲ **تاریخ پذیرش مقاله:** ۱۴۰۳/۰۷/۰۲

چکیده

مقدمه: نوجوانی با چالش‌ها، بحران‌ها و تنش‌هایی همراه است که می‌تواند به خطرپذیری در زندگی فرد و اطرافیان بینجامد.

هدف: پژوهش حاضر با هدف تعیین برازش مدل ساختاری خطرپذیری نوجوانان بر اساس باورهای اساسی، ابراز وجود و الگوهای ارتباطی خانواده با نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان انجام شد.

روش: پژوهش حاضر کمی و با روش توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول و دوم شهر سنندج در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بودند، بدین منظور ۲۲۹ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های باورهای اساسی (۱۹۹۲)، ابراز وجود (۱۹۷۵)، تنظیم شناختی هیجان (۲۰۰۷)، الگوی ارتباطی خانواده (۱۹۹۷) و خطرپذیری نوجوانان (۲۰۰۷) استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از معادلات ساختاری در نرم افزارهای Spss-26 و Amos-26 استفاده شد.

یافته‌ها: تأثیر راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان بر خطرپذیری، منفی و معناداری($p<۰/۰۵$ و $\beta=-۰/۳۹۶$)، در حالی که تأثیر راهبردهای منفی ($p<۰/۰۵$ و $\beta=۰/۱۹۶$) و هم‌نوایی ($p<۰/۰۵$ و $\beta=۰/۴۳۹$) بر خطرپذیری مثبت و معنادار بود. همچنین باورهای اساسی، ابراز وجود و تعامل گفت‌وشنود از طریق راهبردهای مثبت و منفی تنظیم شناختی هیجان به‌طور غیرمستقیم بر خطرپذیری تأثیرگذار بودند ($p<۰/۰۵$).

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های پژوهش راهبردهای تنظیم شناختی هیجان نقش واسطه‌ای مهمی در تأثیر باورهای اساسی، الگوهای ارتباطی خانواده و ابراز وجود بر خطرپذیری نوجوانان دارند. پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی مدرسه‌محور با هدف تقویت راهبردهای مثبت تنظیم هیجان و مهارت‌های ارتباطی جهت کاهش خطرپذیری نوجوانان تدوین و اجرا شوند.

کلیدواژه‌ها: خطرپذیری، شناخت، ابراز وجود، روابط خانوادگی، تنظیم هیجان، نوجوان.

تمامی حقوق نشر برای دانشگاه علوم پزشکی کردستان محفوظ است.

مقدمه

دوره نوجوانی با توجه به شرایط رشدی و موقعیت‌های که در آن قرار دارند با افزایش خطرپذیری[1] همراه است. خطرپذیری به تمایل برای انجام رفتارهایی با پیامدهای نامشخص و احتمال زیان اشاره دارد و شامل تصمیم‌گیری‌هایی است که ممکن است به نتایج نامطلوب منجر شود. این مفهوم طیفی از خطرات مثبت تا منفی را دربر می‌گیرد. رفتارهای پرخطر مانند مصرف زودهنگام مواد، روابط جنسی نامطمئن و رانندگی خطرناک می‌توانند زمینه‌ساز آسیب در زندگی نوجوانان باشند (دویل و استینبرگ[2]، ۲۰۲۰). در یک مطالعه که روی ۵۳۰۲۳۴ نوجوان از ۱۴۳ کشور بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ صورت گرفته بود، میزان شیوع سیگار کشیدن، حداقل یک روز در ۳۰ روز گذشته، در پسران ۱۱٫۳٪ و در دختران ۶٫۱٪ بود، همچنین استفاده از محصولات تنباکویی غیر از سیگار نیز در پسران ۱۱٫۲٪ و در دختران ۷٪ بود (ما، خی، لی، وو، ژاوو و همکاران[3]، ۲۰۲۱). در واقع سوءمصرف مواد مخدر، نوشیدن الکل، درگیری‌های فیزیکی، روابط جنسی بدون محافظ، رانندگی‌های خطرناک، حمل کردن سلاح-های گرم و سرد در دوره نوجوانی شیوع بیشتری دارد.

این در حالی است که سبک‌های ابراز وجود[4] (ویسه، سیس، جوزف، بکان، نایت و همکاران[5]، ۲۰۲۳)، الگوهای ارتباطی[6] (سیاه پوتری، کوسومانینگروم و تریستیانا[7]، ۲۰۲۲)، تنظیم هیجان[8] (مارگارتا، جین، سوتیکنو، نائومی، ساری و همکاران[9]، ۲۰۲۳) و باورهای اساسی[10](ساینت-الووی کادلی، فینیگان، اسپیرز و کرپلمان[11]، ۲۰۲۰) در میزان خطرپذیری نوجوانان تأثیر دارند. شواهد نشان می‌دهند که باورها و نگرش‌های نوجوانان قابلیت پیش‌بینی رفتارهای پرخطر مانند نوشیدن الکل را دارند (کاپوتو[12]، ۲۰۲۰). باورها ساختارهای نسبتا پایداری هستند که هیجان و اندیشه فرد را تبیین می‌کنند (گردنیوویچ[13]، ۲۰۲۴). طبق نظریه خودشناسی-تجربه‌ای اپستین[14] (۱۹۹۸)، افراد بر اساس تجربیات خود، نظریه‌ای ضمنی درباره خود، دیگران و دنیا ایجاد می‌کنند، این نظریه‌ها به صورت سلسله مراتبی، از طرحواره‌ها شکل می‌گیرند که شامل باورهای اساسی مانند معناداری دنیا، نیک‌نهادی دنیا، قابل اعتماد بودن دیگران و ارزشمندی خود می‌باشد که کمک به برقراری ارتباط با دیگران خواهند کرد.

با این حال در کنار باورهای اساسی که ساختار شناختی افراد را شکل می‌هد، بررسی‌ها نشان داده‌اند که نوع الگوی ارتباطی در خانواده نیز تأثیر بسزایی بر رفتارهای نوجوانان دارد (وونگ، تنگ، چاو، لاو، هو و همکاران[15]، ۲۰۲۳؛ لوزانو-بلاسکو، باررییرو-کولازو، رومرو-گونزالس و سوتو-سانچز[16]، ۲۰۲۳). در واقع نوع الگوی ارتباطی خانواده نوجوانان با رفتارهای پرخطر، فراوانی وکیفیت ارتباط نوجوانان ارتباط مثبت و معناداری دارد. به این معنا که خانواده می‌تواند هم موجب رشد و شکوفایی اعضای خود شود و هم با الگوهای معیوب زمینه تنش و آسیب را ایجاد کند. به صورتیکه در خانواده‌های با تعامل

[1] . Risk-taking
[2] . Duell & Steinberg
[3] . Ma, Xi, Li, Wu, Zhao & et al
[4] . Assertiveness styles
[5] . Wiese, Sease, Joseph, Becan, Knight & et al
[6] . Communication patterns
[7] . Syah Putri, Kusumaningrum & Tristiana
[8] . Emotion regulation
[9] . Margaretha , Jane, Soetikno, Naomi, Sari & et al
[10] . basic beliefs
[11] . Saint-Eloi Cadely, Finnegan, Spears & Kerpelman
[12] . Caputo
[13] . Grodniewicz
[14] . Epstein
[15] . Wong, Tung, Chow, Law, Ho & et al
[16] . Lozano-Blasco, Barreiro-Collazo, Romero-Gonzalez & Soto-Sanchez

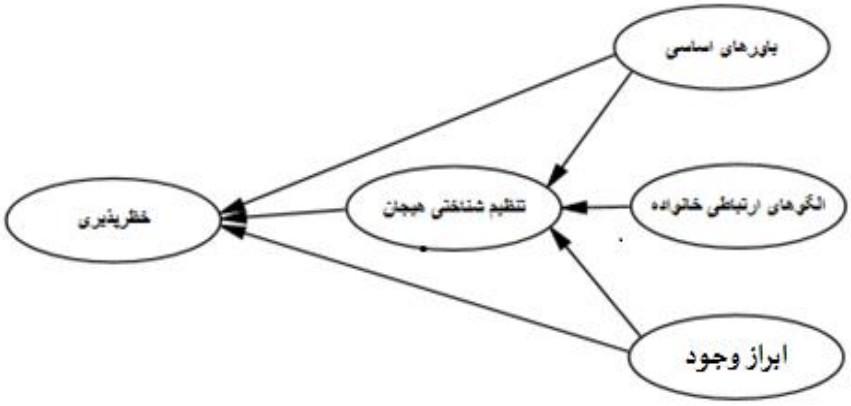
گفت‌وشنود، میزان ارتباطات درونی بالا، وضعیت تحصیلی و سلامت روان فرزندان مطلوب‌تر و احتمال رفتارهای پر خطر در فرزندان پایین است، در حالی که در خانواده‌های با الگوی تعاملی همنوایی، فرزندان مجبور به پیروی بی‌چون و چرا از عقاید دیگران هستند و از سلامت روانی پایینی برخوردارند، همچنین احتمال رفتارهای پرخطر در فرزندانشان در سن نوجوانانی بالا است (وونگ و همکاران، ۲۰۲۳).

علاوه بر عوامل شناختی یکی دیگر از پیشبین‌های خطرپذیری توانایی "نه" گفتن به درخواست‌های پرخطر و ابراز وجود به معنای دفاع از خود و رد قاطعانه درخواست‌های ناخواسته دیگران است. لارسن و ونسترا[1]، (۲۰۲۳) نشان داده اند نوجوانانی که توانایی ابراز وجود پایین‌تری دارند، بیشتر درگیر رفتارهای پرخطر می‌شوند، اما افراد با ابراز وجود بالا، درخواست‌های پرخطر را رد می‌کنند. با این حال رابطه سبک‌های ابراز وجود و خطرپذیری در نوجوانان چندوجهی است و ابعاد روانی، اجتماعی و رشدی را در بر می‌گیرد، نوجوانانی که سبک‌های ابراز وجود جسورانه یا نامتعارف را اتخاذ می‌کنند، ممکن است تمایل بیشتری به ریسک کردن به عنوان راهی برای اثبات هویت خود و به رسمیت شناختن اجتماعی خود داشته باشند، این تمایل به ریسک‌پذیری می‌تواند تحت تأثیر میل به خودمختاری، نفوذ همسالان، و نیاز به کشف مرزها در این مرحله حیاتی رشد قرار گیرد. زیرا توانایی قاطعانه "نه" گفتن و دفاع از خود نیازمند مدیریت مؤثر هیجان‌ها است (شوارتز-متی، لارنس، شنکمن، فیاری و هارینگتون [2]، ۲۰۲۱). بنابراین افراد با توانایی ابراز وجود بالا، به صورت کارآمد از راهبردهای تنظیم شناختی هیجان[3] استفاده می‌کنند تا در مواجهه با موقعیت‌های پرخطر تصمیمات مناسبی بگیرند (پلانتاد-گیپش، برونو، استراب، بووار و مارتین-کروم [4]، ۲۰۲۳). تنظیم شناختی هیجان پاسخ به رویدادهای هیجان بر انگیز با استفاده از راهبردهای شناختی می باشد (لی، جیا، یوان، ژانگ، وانگ و همکاران[5]، ۲۰۲۴). لذا به طور کلی، تنظیم شناختی هیجان با تصمیمات کم خطر همراه است، که ناشی از افزایش فعالیت قشر جلوی پیشانی پشتی، بطنی و قشر سینگولات مغز است.

در نهایت باتوجه به اینکه نوجوانی دوره‌ای حساس است که به‌سبب تغییرات گسترده عصبی و هورمونی، افزایش میل به استقلال و جست‌وجوی هویت، در معرض تأثیرات قوی محیطی و فشار همسالان قرار دارد و خطرپذیری در این دوران می‌تواند به پیامدهای نامطلوبی مانند اختلالات روانی مزمن، مشکلات اجتماعی و کاهش کیفیت زندگی آینده منتهی شود. علاوه بر این شواهد نشان می‌دهد باورهای اساسی، الگوهای ارتباطی خانواده و ابراز وجود، به‌طور مستقیم بر خطرپذیری تأثیر دارند، اما سازوکار دقیق این تأثیرات هنوز تبیین نشده است. با توجه به نقش کلیدی تنظیم شناختی هیجان در مدیریت واکنش‌های هیجانی و کنترل رفتارهای پرخطر، بررسی این متغیر به‌عنوان عامل میانجی ضرورت می‌یابد. با این حال، هیچ پژوهشی تا کنون به صورت جامع نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان را در چارچوب یک مدل ساختاری بررسی نکرده است و این امر خلأ پژوهشی قابل‌توجهی ایجاد می‌کند. بنابراین هدف اصلی پژوهش حاضر، تدوین و ارزیابی مدل ساختاری خطرپذیری نوجوانان بر اساس باورهای اساسی، الگوهای ارتباطی خانواده و ابراز وجود با نقش میانجی تنظیم

[1] . Laursen & Veenstra
[2] . Schwartz-Mette, Lawrence, Shankman, Fearey & Harrington
[3] . Cognitive Emotion Regulation
[4] . Plantade-Gipch, Bruno, Strub, Bouvard & Martin-Krumm
[5] . Li, Jia, Yuan, Zhang, Wang & et al

شناختی هیجان است. در ادامه مدل مفهومی پژوهش ذکر شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی خطرپذیری براساس باورهای اساسی، الگوهای ارتباطی خانواده و ابراز وجود با نقش میانجی تنظیم هیجان

روش

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی، از نظر هدف کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها کمی و براساس مدلسازی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش، دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول و دوم شهر سنندج در سال تحصیلی ۱۴۰۲ -۱۴۰۱ بودند. برای برآورد حجم نمونه از روش کلاین[1] در معادلات‌ساختاری استفاده شد. بر این اساس درصورتی‌که تعداد سازه‌های اصلی ۵ سازه یا کمتر باشد، حداقل حجم نمونه ۱۰۰ و حداکثر ۳۰۰ مشاهده لازم است (کلاین[1]، ۲۰۲۳). بنابراین در پژوهش حاضر با در نظر گرفتن افت نمونه‌ها ۲۵۰ نفر یعنی حد متوسط قاعده کلاین به عنوان حجم نمونه تعیین شد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود. به این طریق از بین نواحی آموزشی شهر سنندج یک ناحیه به صورت تصادفی انتخاب شد. سپس از بین مدارس آن ناحیه، ۴ مدرسه (۲ مدرسه دخترانه و ۲ مدرسه پسرانه) به صورت تصادفی انتخاب شد. آنگاه پرسشنامه‌ها بین آن‌ها توزیع گردید اما ۲۱ پرسشنامه به صورت دقیق تکمیل نشده بودند که کنار گذاشته شدند، در نهایت داده‌های ۲۲۹ نفر وارد تحلیل شدند. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل تحصیل در مقطع متوسطه اول و دوم، داشتن بازه سنی ۱۴ تا ۱۸ سال و عدم سابقه اختلالات روانشناختی بود و ملاک‌های خروج از پژوهش شامل: عدم رضایت دانش-آموز و خانواده برای شرکت در پژوهش بود. روش اجرا به این صورت بود که بعد از دریافت کد اخلاق و اخذ مجوزهای لازم از دانشگاه و اداره آموزش‌وپرورش شهر سنندج، به مدارس مقطع متوسطه اول و دوم انتخاب شده، مراجعه نموده و پرسش‌نامه‌ها باورهای اساسی، ابراز وجود، تنظیم شناختی هیجان، الگوی ارتباطی خانواده و خطر پذیری نوجوانان بین شرکت‌کنندگان پخش شد. جهت اجرای ملاحظات اخلاقی در پژوهش حاضر، مؤلفه‌های زیر رعایت شد: ۱) شرکت افراد در این پژوهش به‌صورت

[1] .Kline

داوطلبانه و با کسب رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان و والدین‌شان بود. ۲) اطلاعات کافی در مورد چگونگی پژوهش به‌تمامی شرکت‌کنندگان داده شد و نیز اصل رازداری و محرمانه ماندن تمامی مشخصات شرکت‌کنندگان حفظ گردید. در این پژوهش به‌منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش، از روش آمار توصیفی، آزمون همبستگی پیرسون و روش مدل‌سازی معادلات ساختاری به کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ و نرم‌افزار Amos نسخه ۲۶ استفاده گردید. همچنین قبل از تجزیه‌وتحلیل مدل‌یابی روی داده‌ها، پیش‌فرض‌های لازم بررسی شد که یکی از آن پیش‌فرض‌ها آزمون کولموگروف – اسمیرنوف بود که مقدار شاخص Z برای همه متغیرهای پژوهش بین ۱ تا ۱/۸۴ و سطح معناداری آن‌ها بیشتر از ۰/۰۵ بود. یکی از پیش‌فرض‌های رایج دیگر محاسبه آماره‌های چولگی و کشیدگی است. دامنه چولگی و کشیدگی بین (۲- تا ۲+) ملاک نرمال بودن متغیرها است. در پژوهش حاضر چون دامنه چولگی و کشیدگی متغیرها در بازه مذکور قرار گرفت، بنابراین داده‌ها نرمال بودند. علاوه مواردی که ذکر شد، برای بررسی استقلال خطاها از آزمون دوربین- واتسون استفاده گردید که میزان آن ۱/۹۲ به دست آمد که نشان از مستقل‌بودن خطاها می‌باشد.

ابزار

پرسشنامه باورهای اساسی[1]. این ابزار در سال ۱۹۹۲ ساخته شده است (کاتلین و اپستین[2]، ۱۹۹۲). نسخه اولیه این پرسشنامه دارای ۱۰۲ سوال می‌باشد. و دارای دو زیر مقایس (باور به دنیای معنادار و باور به خود مطلوب) است. اما بعدا از ۱۰۲ سوال به ۵۰ سوال تقلیل یاقت. نمره گذاری این ابزار به وسیله‌ی طیف لیکرت ۵ درجه ای از (کاملا موافق=۵ تا کاملا مخالف=۱) می‌باشد. کاتلین و اپستین (۱۹۹۲) روایی و پایایی این ابزار را به ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۸۱ عنوان کرده‌اند. کرافت[3] و همکاران (۲۰۲۵) نیز آلفای کرونباخ بین ۰/۹۰ تا ۰/۹۲ را گزارش دادند. در ایران نیز مجابی، توکلی و شریفی (۱۴۰۲) آلفای کرونباخ کل ۰/۷۸ را به دست آوردند. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ این ابزار ۰/۷۹ به دست آمده است.

پرسشنامه ابراز وجود[4]. این ابزار در سال ۱۹۷۵ ساخته شده است (گامبریل و ریچی[5]، ۱۹۷۵). این پرسشنامه دارای ۴۰ سوال می باشد. نمره گذاری این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای از (بسیار زیاد ناراحت می شوم=۱ تا اصلا ناراحت نمی شوم=۵) صورت می‌گیرد. گامبریل و ریچی (۱۹۷۵) روایی و پایایی این ابزار را به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۸۰ گزارش کرده‌اند. در ایران نیز توکلی، ستوده، دشت‌بزرگی، کمیلی‌ثانی و پاک‌سرشت (۱۳۹۳) آلفای کرونباخ کل این ابزار را ۰/۹۶ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ این ابزار ۰/۷۵ به دست آمده است.

پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان[6]. این پرسشنامه در سال ۲۰۰۷ ساخته شده است (گرانفسکی و کرایج[7]، ۲۰۰۷). این پرسشنامه دارای ۳۶ سؤال و ۹ مؤلفه (سرزنش خود، نشخوار ذهنی، توجه مجدد مثبت، توجه مجدد به برنامه ریزی، باز آزمایی مثبت، دیدگاه پذیری، فاجعه آمیز

[1]. Basic beliefs questionnaire
[2]. Catlin & Epstein
[3]. Craft
[4]. Assertiveness Questionnaire
[5]. Gambrill & Richey
[6]. Cognitive Emotion Regulation Questionnaire
[7]. Garnefski & Kraaij

پنداری و سرزنش دیگران) می‌باشد. گرانفسکی و کرایج (۲۰۰۷) اعتبار این ابزار از طریق آلفای کرونباخ برای راهبردهای مثبت ۰/۹۱ و برای راهبردهای منفی ۰/۸۷ و برای کل پرسشنامه ۰/۹۳ به دست آورده‌اند. در ایران نیز محسن‌آبادی و فتحی‌آشتیانی (۱۳۹۹) پایایی این ابزار در میان جمعیت بزرگسال نتایج مطلوبی نشان داد (برای راهبردهای سازگار آلفای کرونباخ ۰/۹۵ و برای راهبردهای ناسازگار آلفای کرونباخ، ۰/۸۸). سرولینی، نیگرو، دولیمپیو و گریفیتس[1](۲۰۲۲) نیز آلفای کرونباخ این ابزار را ۰/۸۸ گزارش دادند. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ این ابزار ۰/۸۱ به دست آمده است.

پرسشنامه الگوی ارتباطی خانواده[2]. این پرسشنامه در سال ۱۹۹۷ توسط کورنر و فیتزپاتریک[3] (۱۹۹۷) برای تعیین ابعاد وضعیت گفت‌وشنود و همنوایی ساخته شد. این ابزار یک مقیاس خودسنجی است که دارای ۲۶ سوال پنج گزینه‌ای از کاملا موافقم تا کاملا مخالفم می‌باشد. ۱۱ سوال اول مربوط به بعد همنوایی و ۱۵ سوال آخر مربوط به بعد تعامل و گفت‌وشنود است. توسط کورنر و فیتزپاتریک (۱۹۹۷) روایی محتوایی، ملاکی و سازه و پایایی (آلفای کرونباخ، و بازآزمایی) این پرسشنامه را مطلوب گزارش کرده‌اند. در ایران نیز نیک دل و پروینیان نصب (۱۴۰۰) برای مقیاس گفت‌وشنود ضریب آلفا برابر با ۰/۹۲ و برای مقیاس همنوایی ۰/۸۴ گزارش دادند. داس[4] (۲۰۲۴) نیز برای مقیاس گفت‌وشنود ضریب آلفا برابر با ۰/۸۴ و برای مقیاس همنوایی ۰/۷۶ گزارش دادند. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ کل این ابزار ۰/۷۸ به دست آمده است.

پرسشنامه خطر پذیری نوجوانان[5]. این ابزار در سال ۲۰۱۱ ساخته شده است (آرمسترانگ[6]، ۲۰۱۲). این پرسشنامه دارای ۱۵ سؤال می‌باشد. نمره گذاری این پرسشنامه به این صورت است که به پاسخ خیر نمره صفر تعلق می‌گیرد. پاسخ بله به رفتارهای پر خطر سطح اول (سوالات: ۱، ۸،۵،۳ و ۱۴) نمره ۱، به رفتارهای پر خطر سطح دوم (سوالات: ۲،۴،۹،۱۰ و ۱۲) نمره ۲ و به رفتارهای پر خطر سطح سوم (سوالات: ۶،۷،۱۱،۱۳ و ۱۵) نمره ۳ تعلق می‌گیرد. آرمسترانگ (۲۰۱۲) ضریب همسانی درونی (آلفای کرونباخ) این پرسشنامه ۰/۷۶ و پایایی آن را به روش باز آزمایی ۰/۸۶ گزارش کرده است. در ایران هم نظام‌زاده، طیبی، ملکی رستم‌آبادی، اکبری و نامجو (۱۴۰۰) آلفای کرونباخ کل ۰/۹۰ را گزارش دادند. همچنین واگنر، امرریش و ون نورت[7] (۲۰۲۴) ضریب آلفای کرونباخ این پرسشامه را بین ۰/۸۶ تا ۰/۹۶ محاسبه کردند. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ این ابزار ۰/۸۲ به دست آمده است.

یافته‌ها

در مطالعه حاضر ۲۲۹ نفر نوجوانان شرکت کردند. از این تعداد ۶۳/۷۵ درصد (۱۴۶ نفر) دختر و ۳۶/۲۵ درصد (۸۳ نفر) پسر بودند. ۲۰/۵۲ درصد (۴۷ نفر) پایه نهم، ۳۶/۲۵ درصد (۸۳ نفر) پایه دهم،۲۳/۵۸ درصد (۵۴ نفر) پایه یازدهم و ۱۹/۶۵ درصد (۴۵ نفر) پایه دوازدهم بودند. از نظر دامنه سنی ۱۳/۱۰ درصد (۳۰ نفر) ۱۴ تا ۱۵سال، ۳۸/۸۶ درصد (۸۹ نفر) ۱۵تا ۱۶ سال، ۲۹/۲۰ درصد (۶۰ نفر) ۱۶ تا ۱۷ سال، ۲۱/۸۴ درصد (۵۰ نفر) ۱۷ تا ۱۸ سال بودند. از نظر معدل تحصیلی ۶/۵۵ درصد (۱۵ نفر) ۱۲ تا

[1] . Cerolini, Nigro, D'Olimpio & Griffiths
[2] .Family Communication Patterns Questionnaire
[3] . Koerner & Fitzpatrick
[4] . Das
[5] . Adolescent Risk-Taking Questionnaire
[6] . Armstrong
[7] . Wagner, Emmerich & van Noort

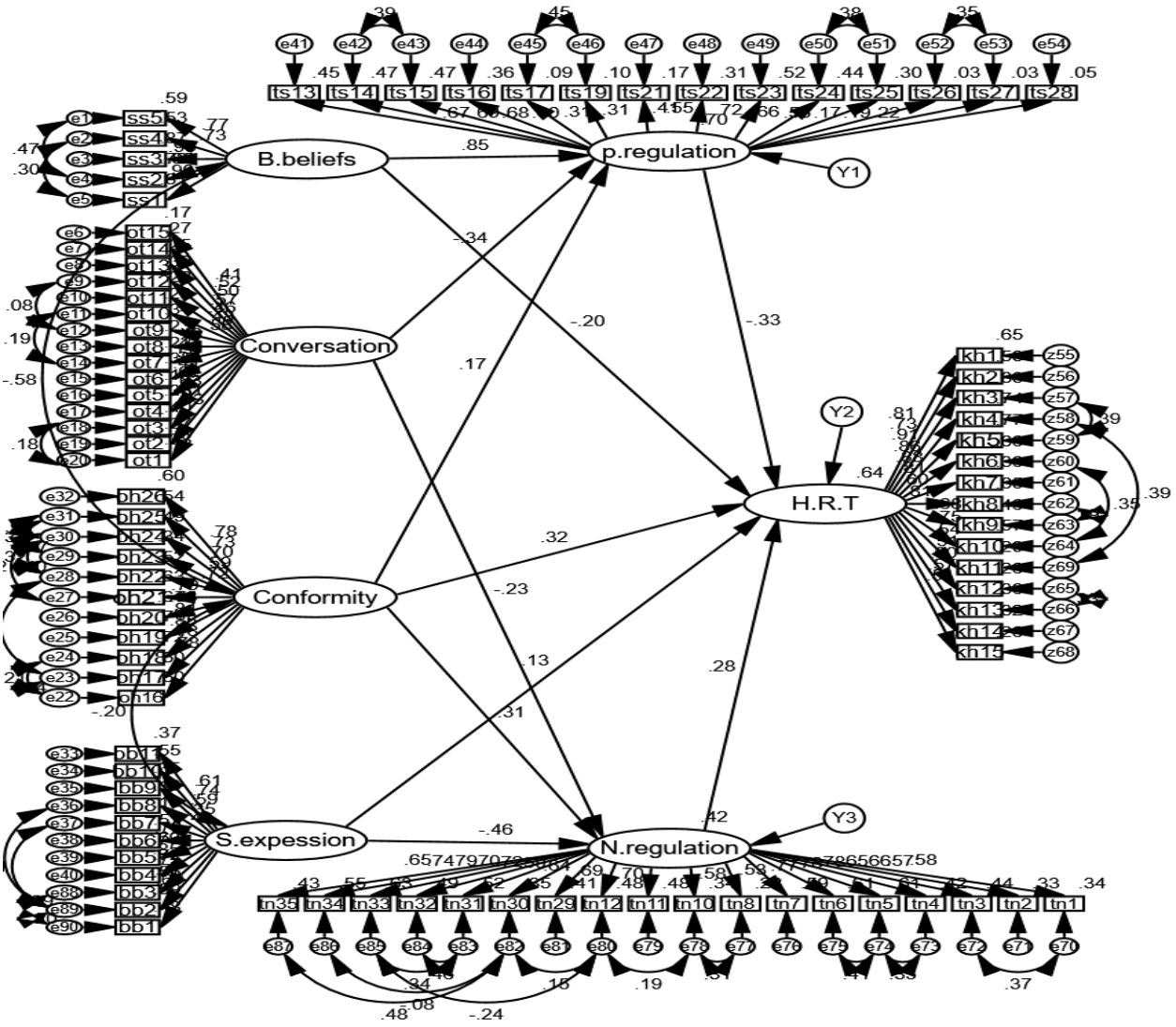
۱۴، ۱۹/۲۱ درصد (۴۴ نفر) ۱۴ تا ۱۶، ۴۸/۰۳ درصد (۱۱۰ نفر) ۱۶ تا ۱۸ و ۲۶/۲۰ درصد (۶۰ نفر) ۱۸ تا ۲۰ داشتند. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش به ترتیب زیر بود: ۱. باورهای اساسی:۱۷۴/۸۱(±۲۸/۶۱)، ۲. ابراز وجود ۱۳۷/۸۱ (± ۱۸/۴۴)، ۳. گفت و شنود ۳۷/۰۷ (± ۸/۴۸)، ۴. هم نوایی ۲۳/۶۱ (± ۷/۸۵)، ۵. راهبردهای تنظیم شناختی مثبت: ۵۱/۰۸ (± ۸/۸۳)، ۶. راهبردهای تنظیم شناختی منفی: ۴۷/۵۱ (± ۷/۰۵) و ۷. خطر پذیری: ۲/۲۸ (± ۳/۶۰). در ادامه ماتریس همبستگی در جدول ۱، نشان داده شده است.

جدول ۱ ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱- باورهای اساسی	۱						
۲- ابراز وجود	۰/۶۴۸ **	۱					
۳- گفت و شنود	۰/۴۸۹ **	۰/۶۰۲ **	۱				
۴- هم نوایی منفی	-۰/۶۳۵ **	-۰/۵۰۱ **	-۰/۳۴۲ **	۱			
۵- تنظیم شناختی مثبت هیجان	۰/۶۰۴ **	۰/۴۱۰ **	۰/۵۶۵ **	-۰/۴۵۸ **	۱		
۶- تنظیم شناختی منفی هیجان	-۰/۵۳۴ **	-۰/۶۴۵ **	۰/۵۲۹ **	۰/۵۸۳ **	-۰/۴۳۸ **	۱	
۷- خطر پذیری	-۰/۶۷۷ **	-۰/۵۵۱ **	-۰/۳۷۵ **	۰/۶۲۱ **	-۰/۵۶۰ **	۰/۵۰۳ **	۱

* p< ۰/۰۵ **p<۰/۰۱

نتایج ماتریس همبستگی در جدول ۱، نشان داد ضریب همبستگی باورهای اساسی (r =-۰/۶۷۷)، ابراز وجود (r =-۰/۵۵۱)، گفت و شنود (r =-۰/۳۷۵) و راهبردهای تنظیم شناختی مثبت هیجان (r=-۰/۵۶۰) نسبت به خطرپذیری منفی و معناداری بود. اما ضریب همبستگی هم نوایی منفی (r =۰/۶۲۱) و راهبردهای تنظیم شناختی منفی هیجان (r = ۰/۵۰۳) نسبت به خطر پذیری مثبت و معناداری بود. همچنین شکل ۲، مدل معادلات ساختاری پژوهش را در حالت ا ستاندارد بعد از ا صلاح نهایی نشان می‌دهد.



شکل ۲ مدل اصلاح شده استاندارد خطرپذیری نوجوانان بر اساس متغیرهای پژوهش

در این مدل باورهای اساسی با اسم مختصر (B.beliefs) دارای ۵ آیتم، ابراز وجود (S.expession) دارای ۱۰ آیتم، گفت و شنود (Conversation) دارای ۱۵ آیتم، هم نوایی منفی (Conformity) دارای ۱۱ آیتم، تنظیم شناختی مثبت هیجان (p.regulation) دارای ۱۴ آیتم، تنظیم شناختی منفی هیجان (N.regulation) دارای ۱۸ آیتم و خطر پذیری (H.R.T) دارای ۱۵ آیتم می‌باشد. لازم به ذکر است در مدل نهایی بعد از اصلاح، روابطی که ضرایب عاملی آن‌ها معنادار نبودند، حذف شدند و مدلی نهایی که دارای برازش مطلوب بود، تدوین گردید. برای بررسی برازش مدل در معادلات ساختاری، ابتدا به تخمین مدل و تحلیل ضرایب مسیر و بارهای عاملی و سپس به تجزیه‌وتحلیل ضرایب و تفسیر یافته‌ها پرداخته می شود. در پژوهش حا ضر از شاخص‌های مقدار خی دو

بر درجه آزادی[1]، شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآورد[2]، شاخص ریشه میانگین مربعات باقیمانده[3]، شاخص برازش هنجار شده[4]، شاخص برازش افزایشی[5]، شاخص توکر و لویس[6]، شاخص برازش تطبیقی[7]، شاخص برازش مقتصد هنجار شده[8] استفاده گردید که برای RMSEA مقدار ۰/۰۸ و کمتر از آن خوب و مقدار ۰/۰۶ و کمتر از آن عالی است. در مورد شاخص‌های نسبی هم مقدار ۰/۹۰ و بالاتر از آن مناسب است (کلاین، ۲۰۲۳). این شاخص‌ها در جدول شماره ۲ قابل مشاهده می‌باشد. با توجه به این جدول شاخص‌های ذکر شده، برازش مطلوب و قابل قبولی را نشان دادند و مدل مفهومی پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۲. شاخص‌های نیکویی برازش مدل

شاخص	X^2/df	RMES	TLI	IFI	CFI	GFI	AGFI	PRATIO
مقادیر	۱/۹۰	۰/۰۶۷	۰/۹۱۰	۰/۹۲۰	۰/۹۰۵	۰/۹۱۰	۰/۸۳۰	۰/۹۰۶
بازه قابل قبول	کمتر از ۳	کمتر از ۰/۰۸	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۸۰	بیشتر از ۰/۹۰
نتیجه	تائید	تائید	تائید	تائید	تائید	تائید	تائید	تائید

در بررسی الگوی معادلات ساختاری علاوه بر بررسی شاخص‌های برازش کلی مدل، پارامترهای ضرایب مسیر، نسبت بحرانی و سطح معنی‌داری برای هر یک از مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم نیز بررسی شد که نتایج آن در جدول شماره ۳ و ۴ ذکر شده است. با توجه به جدول شماره ۳، اثر مستقیم باورهای اساسی، ابراز وجود وگفت‌وشنود بر خطرپذیری در نوجوانان معنادار نمی‌باشد. اثر مستقیم تنظیم مثبت شناختی هیجان ($t = -۲/۷۲$ ،$p < ۰/۰۱$) بر خطرپذیری منفی و معنادار است اما اثر مستقیم هم نوایی ($t = ۳/۸۰$ ،$p < ۰/۰۱$) و تنظیم منفی شناختی هیجان ($t = ۲/۳۲$ ،$p < ۰/۰۱$) بر خطر پذیری مثبت و معنادار می‌باشد. همچنین باورهای اساسی ($t = ۷/۳۳$ ،$p < ۰/۰۱$) و گفت و شنود ($t = ۴/۷۵$ ،$p < ۰/۰۱$) اثر مستقیم مثبت بر تنظیم مثبت شناختی هیجان دارد. اما هم نوایی ($p < ۰/۰۱$ ، $t = -۳/۰۲۷$) اثر مستقیم منفی بر تنظیم مثبت شناختی هیجان دارد. ابراز وجود ($t = -۴/۹۵$ ،$p < ۰/۰۱$) و گفت و شنود ($t = -۲/۹۳$ ،$p < ۰/۰۱$) اثر مستقیم منفی بر تنظیم منفی شناختی هیجان دارد. هم نوایی ($t = ۴/۵۸$ ،$p < ۰/۰۱$) اثر مستقیم مثبت بر تنظیم شناختی منفی دارد.

1. X2/df
2. Root Mean Squared Error of Approximation
3. Root Mean Squared Residual
4. Normed Fit Index
5. Incremental Fit Inde
6. Tucker-Lewis Index
7. Comparative Fit Index
8. Parsimonious Normal Fit Index

جدول ۳. اثرات مستقیم متغیرهای پژوهش

متغیرها			ضرایب استاندارد	مقدار T	خطای استاندارد	معنی داری
باورهای اساسی	←	خطر پذیری	-۰/۱۳۳	-۰/۹۵	۰/۰۴۵	۰/۳۴۱
ابراز وجود	←	خطر پذیری	۰/۰۹۲	-۰/۹۸	۰/۰۱۳	۰/۳۲۷
گفت و شنود	←	خطر پذیری	۰/۰۴۴	۰/۵۵۶	۰/۰۳۲	۰/۵۷۶
هم نوایی	←	خطر پذیری	۰/۴۳۹	۳/۸۰	۰/۰۲۹	۰/۰۰۰۱**
تنظیم شناختی مثبت	←	خطر پذیری	-۰/۳۹۶	-۲/۷۲	۰/۰۴۸	۰/۰۰۶ **
تنظیم شناختی منفی	←	خطر پذیری	۰/۱۹۶	۲/۳۲	۰/۰۵۷	۰/۰۲۰*
باورهای اساسی	←	تنظیم شناختی مثبت	۰/۷۲۸	۷/۳۳	۰/۰۷۴	۰/۰۰۰۱**
باورهای اساسی	←	تنظیم شناختی منفی	-۰/۱۰۳	-۱/۰۸	۰/۰۰۵	۰/۲۷۵
ابراز وجود	←	تنظیم شناختی مثبت	۰/۱۳۲	۱/۷۸	۰/۰۰۲	۰/۰۷۵
ابراز وجود	←	تنظیم شناختی منفی	-۰/۴۱۳	-۴/۹۵	۰/۰۹۶	۰/۰۰۰۱**
گفت و شنود	←	تنظیم شناختی مثبت	۰/۳۴۱	۴/۷۵	۰/۰۹۳	۰/۰۰۰۱**
گفت و شنود	←	تنظیم شناختی منفی	-۰/۲۱۶	-۲/۹۳	۰/۰۵۳	۰/۰۰۳**
هم نوایی	←	تنظیم شناختی مثبت	-۰/۱۹۸	-۳/۰۲۷	۰/۰۵۳	۰/۰۰۴**
هم نوایی	←	تنظیم شناختی منفی	۰/۴۲۲	۴/۵۸	۰/۰۵۶	۰/۰۰۰۱**

اثر غیرمستقیم متغیرهای پیش بین از طریق متغیرهای میانجی با استفاده از آزمون بوت استراپ بررسی شد. نتایج آن در جدول ۴ ذکر شده است. این نتایج بیانگر آن بود اثر غیرمستقیم باورهای اساسی (۰/۰۵ > p و ۰/۰۷۹ -=β)، ابراز وجود (۰/۰۵ > p و ۰/۰۴۱ -=β) و تعامل و گفت-وشنود (۰/۰۵ > p و ۰/۰۶۸ -=β) از طریق راهبردهای مثبت تنظیم هیجان بر خطرپذیری معنادار بود. همچنین اثر غیرمستقیم باورهای اساسی (۰/۰۵ > p و ۰/۰۲۳ -=β)، ابراز وجود (۰/۰۵ > p و ۰/۰۵۸ -=β)، تعامل و گفت-وشنود (۰/۰۵ > p و ۰/۰۲۱ -=β) و همنوایی منفی (۰/۰۵ > p و ۰/۰۵۸ =β) از طریق راهبردهای منفی تنظیم هیجان بر خطرپذیری معنادار بود. در واقع راهبردهای مثبت و منفی تنظیم هیجان نقش میانجی بین متغیرهای پیشبین و خطرپذیری در نوجوانان ایجاد می‌کنند.

جدول ۴. اثرات غیرمستقیم متغیرهای پژوهش با آزمون بوت استرپ

فرضیه پژوهش				ضریب استاندارد شده	حد پایین	حد بالا	معنی داری
باورهای اساسی	←	راهبردهای مثبت تنظیم هیجان	←	خطر پذیری	-۰/۰۷۹	-۰/۱۳۶	-۰/۰۳۵	۰/۰۰۵ **
باورهای اساسی	←	راهبردهای منفی تنظیم هیجان	←	خطر پذیری	-۰/۰۲۳	-۰/۰۶۳	-۰/۰۰۳	۰/۰۴۸ *
ابراز وجود	←	راهبردهای مثبت تنظیم هیجان	←	خطر پذیری	-۰/۰۴۱	-۰/۰۸۳	-۰/۰۱۶	۰/۰۰۴ **

فرضیه پژوهش				ضریب استاندارد شده	حد پایین	حد بالا	معنی داری
ابراز وجود	←	راهبردهای منفی تنظیم هیجان	←	خطر پذیری	-۰/۰۵۸	-۰/۱۱۱	-۰/۰۲۲	۰/۰۰۹ **
تعامل و گفت و شنود	←	راهبردهای مثبت تنظیم هیجان	←	خطر پذیری	- ۰/۰۶۸	۰/۰۳۰	۰/۱۱۳	۰/۰۰۶ **
تعامل و گفت و شنود	←	راهبردهای منفی تنظیم هیجان	←	خطر پذیری	-۰/۰۲۱	-۰/۰۵۰	-۰/۰۰۶	۰/۰۱۳ *
همنوایی منفی	←	راهبردهای مثبت تنظیم هیجان	←	خطر پذیری	-۰/۰۱۶	-۰/۰۴۴	۰/۰۰۰	۰/۱۰۲
همنوایی منفی	←	راهبردهای منفی تنظیم هیجان	←	خطر پذیری	۰/۰۵۸	۰/۰۲۲	۰/۱۱۱	۰/۰۱۰ *

بحث

مطالعه حاضر با هدف بررسی برازش مدل مفهومی خطرپذیری نوجوانان بر اساس باورهای اساسی، الگوهای ارتباطی خانواده و ابراز وجود با نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان صورت گرفت. یکی از یافته‌های پژوهش حاضر اثر مستقیم، منفی و معنادار راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان بر خطرپذیری و اثر مستقیم، مثبت و معنادار راهبردهای منفی تنظیم شناختی هیجان بر خطرپذیری نوجوانان بود که با نتایج حاصل از پژوهش‌های (مارگارتا و همکاران، ۲۰۲۳؛ پلانتاد-گیپش و همکاران، ۲۰۲۳؛ لی و همکاران، ۲۰۲۴) همسو بود. تنظیم شناختی هیجان به معنای استفاده از فرآیندهای شناختی برای مدیریت و تغییر واکنش‌های هیجانی است. این فرآیندها می‌توانند مثبت یا منفی باشند و شامل راهبردهایی مانند بازسازی شناختی، تمرکز بر جنبه‌های مثبت، و پذیرش (راهبردهای مثبت) یا فاجعه‌سازی، سرزنش خود، و اجتناب (راهبردهای منفی) می‌شوند. راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان مانند بازسازی شناختی و تمرکز بر جنبه‌های مثبت، به نوجوانان کمک می‌کنند تا با تغییر نحوه‌ی تفکر در مورد موقعیت‌های استرس‌زا، هیجانات منفی را به‌طور کارآمد مدیریت کنند. این راهبردها باعث افزایش آگاهی و تفکر منطقی در نوجوانان می‌شوند، به‌طوری‌که آن‌ها می‌توانند موقعیت‌ها را تحلیل کرده و تصمیم‌گیری‌های منطقی انجام دهند (لی و همکاران، ۲۰۲۴).

همچنین، با کاهش هیجانات منفی و افزایش کنترل بر خود، نوجوانان کمتر به رفتارهای تکانه‌ای و خطرپذیر روی می‌آورند. در نتیجه، استفاده از این راهبردها منجر به کاهش رفتارهای خطرپذیر در نوجوانان می‌شود، زیرا آن‌ها با مدیریت کارآمد هیجانات و تصمیم‌گیری‌های منطقی، از موقعیت‌های پرخطر اجتناب می‌کنند. در مقابل، راهبردهای منفی تنظیم شناختی هیجان مانند فاجعه‌سازی، سرزنش خود و اجتناب، می‌توانند نوجوانان را به سمت افزایش خطرپذیری سوق دهند، این راهبردها باعث تشدید هیجانات منفی شده و نوجوانان احساس کنترل کمتری بر وضعیت خود دارند (مارگارتا و همکاران، ۲۰۲۳). نوجوانانی که از این راهبردها استفاده می‌کنند، ممکن است کمتر قادر به تحلیل منطقی موقعیت‌ها و یافتن راه‌حل‌های مؤثر باشند، لذا با افزایش استرس و اضطراب، نوجوانان

بیشتر به رفتارهای تکانه‌ای و بی‌پروا روی می‌آورند تا به طور موقت از هیجانات منفی اجتناب کنند، که نتیجتا، استفاده از این راهبردها منجر به افزایش رفتارهای خطرپذیر در نوجوانان می‌شود.

یافته‌ی دیگر این بود که همنوایی از مولفه‌های الگوهای ارتباطی خانواده بر خطرپذیری نوجوانان اثر مثبت و معنادار دارد. در واقع با افزایش میزان همنوایی منفی، میزان خطرپذیری افزایش پیدا می‌کند و در صورت کاهش میزان همنوایی منفی، میزان خطرپذیری کاهش پیدا می‌کند که با نتایج حاصل از پژوهش‌های (وونگ و همکاران، ۲۰۲۳؛ لوزانو-بلاسکو و همکاران، ۲۰۲۳؛ سیاه پوتری و همکاران، ۲۰۲۲) همسو می‌باشد. جهت تبیین نتایج این یافته می‌توان بیان داشت همنوایی در الگوی ارتباطی خانواده به معنای انطباق به تمایل افراد برای تنظیم باورها، نگرش‌ها و رفتارهای خود برای مطابقت با عقاید یک گروه، خانواده یا جامعه اشاره دارد. به عبارت دیگر، میزان همراهی افراد با نظرات، هنجارها و انتظارات دیگران است؛ بنابراین می‌توان گفت که به موقعیت‌هایی اشاره دارد که در آن افراد با نگرش‌ها یا رفتارهایی مطابقت می‌کنند که مانع از خطرپذیری یا ترویج خطرگریزی می‌شود. به عبارت دیگر، همنوایی منفی ممکن است شامل رفتارهای محتاطانه یا خطرگریز از سوی افراد باشد، زیرا گروه یا جامعه‌ای که با آن مطابقت دارند، از خطر کردن جلوگیری می‌کنند. پس وقتی افراد با رفتارها یا نگرش‌های خطرگریز سازگار شوند، خطرپذیری کاهش می‌یابد. این بدان معنا است که با افزایش انطباق، افراد محتاط‌تر و خطرگریزتر می‌شوند که می‌تواند منجر به درک بالاتری از خطر در موقعیت‌های مختلف شود. از طرف دیگر، وقتی میزان انطباق کاهش می‌یابد، افراد کمتر تحت تأثیر هنجارهای خطرگریز گروه قرار می‌گیرند، که می‌تواند منجر به افزایش خطرپذیری شود.

یافته دیگر پژوهش حاضر اثرات غیرمستقیم باورهای اساسی، ابراز وجود و تعامل و گفت‌وشنود از طریق راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان بر خطرپذیری بود. که با یافته‌های (کاپوتو، ۲۰۲۰؛ ساینت الیوت کادلی و همکاران، ۲۰۲۰؛ وونگ و همکاران، ۲۰۲۳) همسو بود. باورهای اساسی، که به‌عنوان ادراکات عمیقا ریشه‌دار فرد درباره خود و جهان تعریف می‌شوند، نقش حیاتی در شکل‌دهی نگرش‌ها و رفتارهای افراد ایفا می‌کنند (گردنیوویچ، ۲۰۲۴). ابراز وجود، که توانایی ابراز خود به‌صورت قاطع و دفاع از حقوق خود بدون نقض حقوق دیگران است، به‌عنوان یک عامل مهم دیگر در تعیین نحوه‌ی برخورد افراد با موقعیت‌های خطرناک شناخته می‌شود. تعامل و گفت‌وشنود، که شامل ارتباطات باز و سازنده با دیگران است، نیز به فرایند تصمیم‌گیری به‌ویژه در زمینه‌های مرتبط با عدم قطعیت یا خطرات احتمالی کمک می‌کند. این در حالی است که، این پژوهش نشان داد، که این عوامل: باورهای اساسی، ابراز وجود و تعامل و گفت‌وشنود، به‌تنهایی منجر به رفتار خطرپذیری نمی‌شوند. بلکه تأثیر آن‌ها از طریق راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان واسطه‌گری می‌شود. راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان شامل مدیریت و تعدیل واکنش‌های هیجانی به موقعیت‌ها به گونه‌ای است که بهزیستی و عملکرد تطبیقی فرد را تقویت می‌کند (لی و همکاران، ۲۰۲۴).

زمانی که افراد از راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان به‌طور مؤثری استفاده می‌کنند، مانند بازتفسیر (بازبینی یک موقعیت به صورتی مثبت یا خنثی) یا پذیرش (پذیرش

هیجانات بدون قضاوت)، آن‌ها قادر به مدیریت هیجانات مرتبط با خطرپذیری می‌شوند. این امر به نوبه خود به آن‌ها اجازه می‌دهد تا با اعتمادبه‌نفس و به صورت سازنده در موقعیت‌های خطرپذیر تصمیم‌گیری کنند. علاوه بر این، تعامل بین باورهای اساسی، ابراز وجود و تعامل و گفت‌وشنود از طریق راهبردهای تنظیم شناختی هیجان، پیچیدگی رفتار انسانی در موقعیت‌های خطرپذیری را نشان می‌دهد. باورهای اساسی، افکار بنیادی را فراهم می‌کنند که از طریق آن افراد خطرها را درک می‌کنند، در حالی که ابراز وجود آن‌ها را با اعتمادبه‌نفس لازم برای اقدام به این ادراکات تجهیز می‌کند. تعامل و گفت‌وشنود نیز بستری را برای افراد فراهم می‌کند تا از طریق ارتباط با دیگران، ادراک خود را از خطرها پردازش و تصحیح کنند. زمانی که این عناصر از طریق راهبردهای مثبت تنظیم شناختی هیجان پالایش می‌شوند، نتیجه رویکردی دقیق‌تر و تطبیقی‌تر به خطرپذیری است. لذا افرادی که می‌توانند چالش‌ها را بازتعریف کنند، تعادل هیجانی را حفظ کنند و به احتمال زیاد خطرها را به‌طور مؤثرتری مدیریت می‌کنند و تصمیماتی می‌گیرند که به دور از خطرپذیری است.

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر اثرات غیرمستقیم باورهای اساسی، ابراز وجود، تعامل و گفت و شنود و همنوایی منفی از طریق راهبردهای منفی تنظیم شناختی هیجان بر خطرپذیری بود که با یافته‌های (سیکاریل[1] همکاران، ۲۰۲۱؛ وونگ و همکاران، ۲۰۲۳؛ اویدیسیان و الین[2]، ۲۰۲۱) همسو بود. در تبیین این قسمت از یافته‌ها نیز می‌توان بیان کرد باورهای اساسی که ادراکات عمیقی از خود، دیگران و جهان را دربر می‌گیرند، به عنوان پایه‌های شناختی و هیجانی نقش مهمی در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای فرد ایفا می‌کنند (گردنیوویچ، ۲۰۲۴). همچنین باورهای اساسی می تواند شامل ادراک فرد از توانایی ها و شایستگی های خود نیز باشد، به صورتی که اگر نوجوان باورهای مثبت قوی در مورد توانایی های خود برای مدیریت موقعیت ها و تصمیم گیری مناسب داشته باشد، احتمالا سطوح بالاتری از خودکارآمدی و اعتماد به نفس را از خود نشان می‌دهد، این افزایش خودکارآمدی می‌تواند منجر به کاهش تمایل به درگیر شدن در رفتارهای مخاطره‌آمیز شود، زیرا می‌توانند بدون توسل به اقدامات مخاطره‌آمیز به نتایج مثبتی دست یابند. در واقع باورهای اساسی به‌عنوان پایه‌های شناختی و هیجانی فرد، نقش کلیدی در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای نوجوان دارد (بک[3]، ۲۰۲۰؛ اویدیسیان و الین، ۲۰۲۱). در مقابل، افرادی با باورهای ناکارآمد ممکن است به راهبردهای منفی تنظیم شناختی هیجان، مانند فاجعه‌سازی یا تفکر مداوم، روی آورند که این راهبردها می‌توانند ادراک آن‌ها از خطر را کاهش داده و رفتارهای پرخطر را تقویت کنند (سیکاریل و همکاران، ۲۰۲۱).

به‌طور مشابه، نوجوانانی با ابراز وجود بالا قادرند هیجانات خود را کارآمد مدیریت کرده چراکه ابراز وجود بالا می تواند آن ها را در مقابل فشار همسالان محافظت کند در واقع می توانند به درخواست های پرخطر همسالان خود "نه" بگویند و با اطمینان بیشتری با خطرات مواجه شوند، در حالی که ابراز وجود پایین و عدم توانایی "نه" گفتن قاطعانه به درخواست های پر خطر همسالان و نتیجتا استفاده از راهبردهای منفی تنظیم شناختی هیجان مانند خودسرزنشگری، تمایل به خطرپذیری را افزایش می‌دهد (لارسن و ونسترا، ۲۰۲۳). علاوه بر این، تعاملات و

[1] . Ciccarelli, Nigro
[2] . Avedissian & Alayan
[3] . Beck

گفت‌وگوهای مؤثر و حمایتی در خانواده می‌توانند با ارائه حمایت عاطفی و بازخورد سازنده، نوجوانان را به سمت استفاده از راهبردهای سازگارانه تنظیم شناختی هیجان هدایت کنند، در مقابل، تعاملات منفی یا عدم وجود گفت‌وگوهای حمایتی، افراد را به سوی راهبردهای شناختی منفی مانند نگرانی بیش از حد و تردید از خود سوق می‌دهد (هرد،کینگ-کاساس و کیم-اسپون[1]،۲۰۲۰). چراکه گفت‌وگوی سازنده در خانواده می‌تواند باورهای ناکارآمد را به چالش کشیده و تنظیم هیجان سازگار را ارتقا دهد، که منجر به درکی متعادل از خطرات می‌شود اما، زمانی که گفت‌وگو منفی یا غیرحمایتی باشد، افراد ممکن است به راهبردهای ناکارآمد تنظیم شناختی هیجان روی آورند که درک آن‌ها از خطر را تحریف کرده و تمایل آن‌ها به خطرپذیری را افزایش دهد. همچنین، همنوایی منفی که به تطابق با هنجارهای گروهی یا فشارهای مضر اشاره دارد، می‌تواند منجر به پذیرش راهبردهای منفی تنظیم شناختی هیجان، مانند اضطراب یا تردید از خود، در مواجهه با خطرات شود. این راهبردهای ناکارآمد می‌توانند درک از خطر را تحریف کرده و احتمال مشارکت در خطرپذیری را افزایش دهند (کرون و ون دویجونوورد[2]، ۲۰۲۱). در نهایت، افرادی که باورهای اساسی ناکارآمد دارند، کسانی که با ابراز وجود ضعیف، تعاملات منفی یا عدم وجود گفت‌وگوهای حمایتی مواجهند، و کسانی که تحت تأثیر همنوایی منفی هستند، بیشتر به استفاده از راهبردهای منفی تنظیم هیجان روی می‌آورند. این راهبردها، که با تفکر مداوم، فاجعه‌سازی و خودسرزنشگری مشخص می‌شود، درک از خطر را کاهش داده و رفتار خطرپذیری را افزایشی می‌کنند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که تقویت ارتباطات باز و استراتژی‌های تنظیم شناختی هیجانی مثبت در خانواده و پرداختن به همنوایی مثبت می‌تواند در کاهش رفتارهای مخاطره‌آمیز نوجوانان مؤثر باشد. علاوه بر این، افزایش دانش والدین و مربیان نسبت به تکنیک‌های گفت‌وگوی سازنده و حمایت هیجانی، زمینه‌ساز تدوین برنامه‌های مداخله‌ای هدفمند در سطوح مدرسه و جامعه خواهد بود. از سوی دیگر، پایش مستمر روند تغییرات رفتاری نوجوانان و ارزیابی اثربخشی مداخلات شناختی–هیجانی می‌تواند به بهینه‌سازی راهبردهای پیشگیرانه کمک کند. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به این اشاره داشت که مطالعه حاضر صرفا بر روی نوجوانان مقطع متوسطه اول و دوم صورت گرفت، لذا در تعمیم‌یافته‌ها به سایر گروه‌های جامعه باید این محدودیت را لحاظ کرد. از همین رو به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود که پژوهش حاضر را روی سایر گروه‌های جامعه تکرار نمایند.

سپاسگزاری

این پژوهش در کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج بررسی و با شناسه اخلاق IR.IAU.SDJ.REC.1402.073 مصوب گردیده است. همچنین از مدیریت محترم آموزش‌وپرورش ناحیه یک سنندج، مدیران مدارس، دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها که در تمامی مراحل پژوهش یاری رساندند کمال تشکر را داریم. شایان ذکر است که تمامی هزینه‌های این پژوهش توسط نویسندگان تأمین شده است و نیز هیچگونه تعارض منافعی وجود نداشت.

[1] . Herd, King-Casas & Kim-Spoon

[2] . Crone & van Duijvenvoorde

References

Avedissian, T., & Alayan, N. (2021). Adolescent well- being: A concept analysis. *International journal of mental health nursing*, *30*(2), 357-367.

Armstrong, L. L. (2012). Initial development and validation of the checklist of risk behaviours for youth (CORBY). *Psychology, health & medicine, 17*(1), 116-124.

Beck, J. S. (2020). *Cognitive behavior therapy: Basics and beyond*: Guilford Publications.

Caputo, A. (2020). Comparing Theoretical Models for the Understanding of Health-Risk Behaviour: Towards an Integrative Model of Adolescent Alcohol Consumption. *Eur J Psychol, 16*(3), 418-436.

Catlin, G., & Epstein, S. (1992). Unforgettable experiences: The relation of life events to basic beliefs about self and world. *Social Cognition, 10*(2), 189-209.

Ciccarelli, M., Nigro, G., D'Olimpio, F., Griffiths, M. D., & Cosenza, M. (2021). Mentalizing failures, emotional dysregulation, and cognitive distortions among adolescent problem gamblers. *Journal of Gambling Studies*, *37*, 283-298.

Crone, E. A., & van Duijvenvoorde, A. C. (2021). Multiple pathways of risk taking in adolescence. *Developmental Review*, *62*, 100996.

Cerolini, S., Zagaria, A., Vacca, M., Spinhoven, P., Violani, C., & Lombardo, C. (2022). Cognitive emotion Regulation Questionnaire—Short: reliability, validity, and Measurement Invariance of the Italian version. *Behavioral Sciences*, *12*(12), 474.

Craft, L. L., Johnson, M. K., & Reyes, A. R. (2025). Global beliefs and hope: A cross-cultural validation of the Basic Beliefs Questionnaire (BBQ). *Journal of Cross-Cultural Psychology*, *56*(2), 134–149.

Das, K. (2024). A Comparative Study on Family Communication Pattern, Perceived Emotional Invalidation, And Self-invalidation Among Young Adults Based on Sibling Status. *International Journal of Indian Psychology*, *12*(4), 322–331.

Duell, N., & Steinberg, L. (2020). Differential Correlates of Positive and Negative Risk Taking in Adolescence. *Journal of Youth and Adolescence, 49*(6), 1162-1178.

Epstein, S. (1998). Cognitive-Experiential Self-Theory. In D. F. Barone, M. Hersen, & V. B. Van Hasselt (Eds.), *Advanced Personality* (pp. 211-238). Boston, MA: Springer US.

Gambrill, E. D., & Richey, C. A. (1975). An assertion inventory for use in assessment and research. *Behavior Therapy, 6*(4), 550-561.

Garnefski, N., & Kraaij, V. (2007). The cognitive emotion regulation questionnaire. *European journal of psychological assessment, 23*(3), 141-149.

Grodniewicz, J. P. (2024). Belief revision in psychotherapy. *Synthese*, *203*(4), 124.

Herd, T., King-Casas, B., & Kim-Spoon, J. (2020). Developmental changes in emotion regulation during adolescence: Associations with socioeconomic risk and family emotional context. *Journal of youth and adolescence*, *49*(7), 1545-1557.

Kline, R. B. (2023). *Principles and practice of structural equation modeling*: Guilford publications.

Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (1997). Family type and conflict: The impact of conversation orientation and conformity orientation on conflict in the family. *Communication Studies, 48*(1), 59-75.

Li, M., Jia, Q., Yuan, T., Zhang, L., Wang, H., Ward, J., ... & Yang, Q. (2024). The Relationship Between Cognitive Emotion Regulation Strategy and Mental Health Among University Students During Public Health Emergency: A Network Analysis. *Psychology Research and Behavior Management*, 4171-4181.

Laursen, B., & Veenstra, R. (2023). In defense of peer influence: The unheralded benefits of conformity. *Child Development Perspectives, 17*(1), 74-80.

Lozano-Blasco, R., Barreiro-Collazo, A., Romero-Gonzalez, B., & Soto-Sanchez, A. (2023). The Family Context in Cybervictimization: A Systematic Review and Meta-Analysis. *Trauma, Violence, & Abuse, 25*(3), 2143-2157.

Ma, C., Xi, B., Li, Z., Wu, H., Zhao, M., Liang, Y., & Bovet, P. (2021). Prevalence and trends in tobacco use among adolescents aged 13–15 years in 143 countries, 1999–2018: findings from the Global Youth Tobacco Surveys. *The Lancet Child & Adolescent Health, 5*(4), 245-255.

Mojabi, Z., Tavakoli, N., & Sharifi, D. (2024).The effectiveness of a spiritual health promotion package on improving basic beliefs and anxiety in patients with kidney cancer. Quarterly Journal of Health Psychology Research, 16 (63), 34–47. (In Persian)

Margaretha, Jane, Soetikno, Naomi, & Sari, Meylisa. (2023). *The effect of emotional regulation on risk-taking behaviour in late adolescence*. *International Journal of Application on Social Science and Humanities*, *1*(1), 613–620.

Mohsenabadi, H., & Fathi-Ashtiani, A. (2021). Evaluation of psychometric properties of the Persian version of the short form of Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (CERQ-18). *Payesh (Health Monitor), 20*(2), 167–178. (In Persian).

Nikdel, F., & Parvinian Nasab, M. (2022). Family communication patterns and internet addiction among Iranian female high school students: The mediating role of psychological needs satisfaction. *Cyberpsychology: Journal of Psychosocial Research on Cyberspace, 16*(5), 13–27. (In Persian).

Namazadeh, B., Tayyebi, S., Maleki Rostam Abadi, M., Akbari, H. R., & Namjou, F. (2021). Predicting adolescent high□risk behaviors in delinquent youth based on psychological helplessness and distress tolerance. *Journal of Adolescent and Youth Psychological Studies*, *2*(1), 3–21. (In Persian).

Plantade-Gipch, A., Bruno, J., Strub, L., Bouvard, M., & Martin-Krumm, C. (2023). Emotional regulation, attachment style, and assertiveness as determinants of well-being in emerging adults. In *Frontiers in Education* (Vol. 8, p. 1058519). Frontiers Media SA.

Saint-Eloi Cadely, H., Finnegan, V., Spears, E. C., & Kerpelman, J. L. (2020). Adolescents and sexual risk-taking: The interplay of constraining relationship beliefs, healthy sex attitudes, and romantic attachment

insecurity. *Journal of Adolescence, 84*, 136-148.

Schwartz-Mette, R. A., Lawrence, H. R., Shankman, J., Fearey, E., & Harrington, R. (2021). Intrapersonal Emotion Regulation Difficulties and Maladaptive Interpersonal Behavior in Adolescence. *Research on Child and Adolescent Psychopathology, 49*(6), 749-761.

Syah Putri, E. N., Kusumaningrum, T., & Tristiana, R. D. (2022). The relationship of parents' communication patterns and peer-group interaction with sexual risk behavior in adolescents. *International journal of adolescent medicine and health*, *34*(3), 20190166.

Tavakoli, P., Setoodeh, G., Dashtbozorgi, B., Komili-Sani, H., & Pakseresht, S. (2016). The influence of assertiveness training on self-esteem in female students of government high schools of Shiraz, Iran: A randomized controlled trial. *Nursing Practice Today, 3*(1), 14–21. (In Persian).

Wong, R. S., Tung, K. T. S., Chow, K. H. T., Law, A. R. M., Ho, F. K. W., Chan, K. L., & Ip, P. (2023). Exploring the role of family communication time in the association between family dinner frequency and adolescent psychological distress. *Current Psychology, 42*(16), 13868-13876.

Wiese, A. L., Sease, T. B., Joseph, E. D., Becan, J. E., Knight, K., & Knight, D. K. (2023). Avoidance self-efficacy: personal indicators of risky sex and substance use among at-risk youth. *Children and youth services review*, *147*, 106846.

Wagner, B., Emmerich, O. L. M., & van Noort, B. M. (2024). Internet-Based Prevention of Re-Victimization for Youth with Care Experience (EMPOWER-YOUTH): Results of a Randomized Controlled Trial. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, *21*(9), 1159.